

محمد علی قنبری، پیرغلام هیئت حسینی گلشهر، سال هاست زیر پرچم امام حسین (ع) زندگی کرده است

چهل سال امانت داری علم، از کابل تا گلشهر



راه تجربه



دهقان-عطائی: هنوز درهای مدرسه شهید کاشانی به روی عزاداران «هیئت حسینی» باز نشده است که محمد علی قنبری خودش رابه ورودی هیئت می‌رساند. با همان لهجه شیرین افغانستانی، یکی یکی به عزاداران سلام می‌کند و خوشامد می‌گوید. اگر کسی او را نشناسد، شاید تصور کند یکی از خادمان قدیمی مجلس است، اما بسیاری از اهالی گلشهر می‌دانند مرد شصت و هشت ساله‌ای که آرام و بی صدا میان جمعیت رفت و آمد می‌کند. بیش از چهار دهه است سنگین ترین امانت هیئت حسینی را بر دوش می‌کشد. قصه محمد علی، پیش از آنکه به علم داری در هیئت حسینی گلشهر برسد، از کوچه های کابل آغاز می‌شود.



وقتی نوبت
به علم داری رسید

محمد علی وقتی به گلشهر می‌آید، دوباره از همان جایی شروع می‌کند که سال ها قبل در کابل آغاز کرده بود؛ خدمت در هیئت. هیئت حسینی گلشهر دو سال پیش از مهاجرت او، به همت چند روحانی مهاجر شکل گرفته بود. قنبری از همان سال های نخست به جمع عزاداران اضافه می‌شود؛ ابتدا کفش دار است، بعد در صف سینه زنان قرار می‌گیرد و کمی بعد، سر دسته سینه زنان می‌شود. امانت‌ه عطف زندگی او، حدود سال ۱۳۶۴ رقم می‌خورد.

مرحوم حسین موسوی، علم دار هیئت، از دنیای رود و بزرگان هیئت برای انتخاب علم دار جدید دور هم جمع می‌شوند. انتخابشان محمد علی قنبری است؛ مسئولیتی که حالا ۴۱ سال از آن می‌گذرد. او می‌گوید: علم دار شدن فقط زور بازو نیست. اول باید اخلاق آدم درست باشد.

علم به جان
آدم بسته می‌شود

قنبری هنوز هم با وجود ۶۸ سال سن، کارگر ساختمانی است. از او می‌پرسیم این توان بدنی را از کجا آورده است. لبخند می‌زند و می‌گوید: همه اش از برکت همین علم است. بعد آرام ادامه می‌دهد: جان علم دار به علم بسته است.

شاید همین جمله، خلاصه همه این سال های زندگی او باشد: سال هایی که از کابل تا گلشهر گذشته، اما یک چیز هیچ وقت تغییر نکرده است: خدمت زیر پرچم امام حسین (ع).

از محمد علی می‌خواهیم بگوید بعد از این همه سال نوکری، چه چیزی نصیبش شده است. کمی سکوت می‌کند و بعد می‌گوید: همه عمرم با خدمت به امام حسین (ع) گذشته است. خدا هم همه چیز به من داده است؛ همسر خوب، فرزند خوب، عزت و آبرو. در پایان هم فقط یک آرزو دارد؛ آرزویی که پس از نزدیک به نیم قرن خدمت هنوز در دلش زنده است: می‌خواهم به حرمت علم داری حضرت ابوالفضل (ع)، روز قیامت جزو دوست داران اهل بیت (ع) حساب شوم.

از کوچه های کابل
تا محله نیزه

محمد علی قنبری سال ۱۳۶۲، هم زمان با روزهای پرتلاش حمله شوروی به افغانستان، خانه و زندگی اش را ترک می‌کند و راهی ایران می‌شود. مقصدش محله نیزه در گلشهر بود؛ جایی که آن روزها بسیاری از مهاجران افغانستانی در آن ساکن شده بودند. امام هاجرت برای او آغاز آشنایی با هیئت نبود. سال ها پیش از آن، در کابل پای ثابت مراسم عزاداری امام حسین (ع) بود. ابتدا در تکیه خانه عمومی «شهر نو» کفش داری می‌کرد و بعد، وقتی مسئولان هیئت تعهد و دقتش را دیدند، علم رابه او سپردند. او تعریف می‌کند و می‌گوید: آن موقع ۲۳ سال داشتم. کشتی گیر بودم و توان بدنی خوبی داشتم. علم را از حسینیه «شهر نو» تا «کارته سخی» و بعد هم تا محله «چند اول» روی دوش می‌بردیم. گاهی بیشتر از دو ساعت راه می‌رفتیم.

حتی زمستان های سخت کابل هم مانع این خدمت نمی‌شد. برف گاهی تا کمر می‌رسید، اما مسیر علم داری تعطیل نمی‌شد. او تا آخرین سال حضورش در افغانستان، همین مسئولیت را بر عهده داشت.

● علم فقط روی دوش نیست

وقتی از او می‌پرسیم علم دار یعنی چه، بی درنگ پاسخ می‌دهد: علم دار یعنی خدمت به امام حسین (ع)؛ یعنی احترام گذاشتن به مردم.

از نگاه او، علم دار پیش از آنکه حامل علم باشد، باید حرمت دار عزاداران باشد. به همین دلیل معتقد است علم دار نباید با کسی درگیر شود، نباید به کسی توهین کند و حتی اگر حق با او باشد، باید گذشت کند. او می‌گوید شأن علم دار حضرت ابوالفضل (ع) اجازه رفتار تند را نمی‌دهد.

● آیین یک امانت قدیمی

از شب ششم و هفتم محرم، مسئولیت محمد علی پررنگ تر می‌شود. بعد از نماز مغرب و عشا، همراه عزاداران به خانه پیرغلامی می‌روند که علم یک سال در خانه او امانت بوده است. قنبری توضیح می‌دهد: علم را برمی‌داریم، در کوچه های گلشهر می‌گردانیم و بعد سینه زنان به محل هیئت می‌آوریم. وقتی علم به مدرسه شهید کاشانی می‌رسد، در جای مشخصی برپای می‌شود و تا شب سیزدهم همان جامی ماند. بعد از پایان مراسم دهه اول، دوباره با همان احترام و آیین به خانه پیرغلام بازگردانده می‌شود تا برای اربعین، دهه آخر صفر و محرم سال آینده آماده بماند. این رسم، سال هاست در هیئت حسینی گلشهر بدون تغییر ادامه دارد.

● حواس علم دار همیشه جمع است

علم چوبی هیئت، فقط یک وسیله برای مراسم نیست؛ امانتی است که همه نگاه ها به آن دوخته می‌شود. محمد علی می‌گوید علم دار باید شیوه بلند کردن، حرکت دادن و سپردن علم به دیگران را بلد باشد. بعد از او، خیلی از جوان ترها برای تبرک چند قدمی علم را روی دوش می‌گیرند، اما این خود اوست که مراقب همه چیز است. او می‌گوید: باید سال ها علم داری کرده باشی تا بدانی چطور آن را جابه جایی. او باور دارد اگر خدای نکرده علم روی زمین بیفتد، اتفاق خوشایندی نیست. به همین دلیل از لحظه برداشتن تا زمان برپا کردن، همه حواسش به همین امانت است.